ادامه از صفحه اول

ماهیت و تأثیر حقوقی نامه جان کری

اعلامیه یک‌جانبه مصر در مورد کانال سوئز در سال ۱۹۵۷ یا اعلامیه یک‌جانبه «بی‌طرفی دائمی» اتریش در پایان جنگ جهانی دوم - که همگی بار و تأثیر حقوقی قابل‌ملاحظه‌ای در پی داشتند - از جمله نمونه‌های قابل‌ذکر هستند. حال، با این مقدمه، نامه اخیر جان کری به دکتر ظریف مبنی‌بر پایبندی ایالات متحده به «برجام» و اطمینان‌بخشی او در مورد منطبق‌سازی اجرای «قانون اصلاح روادید» با توافق هسته‌ای را نیز باید در چارچوب همین مقوله «اعلامیه‌های یک‌جانبه» ارزیابی کرد.

به‌واقع، نامه آقای کری، هم از نظر فرم و هم در محتوا، از تمام مشخصات یک «اعلامیه یک‌جانبه الزام‌آور» - آن‌طور که دیوان لاهه و کمیسیون حقوق بین‌الملل تعریف کرده‌اند - برخوردار است. به این معنی که این نامه از جانب یک مقام صالح (وزیر امور خارجه آمریکا)، به صورت علنی خطاب به نماینده یک دولت دیگر، با نیت و وعده ایجاد تعهد و در باب عملکرد آینده ایالات متحده صادر شده است.

در نتیجه این نامه، یک اعلامیه یک‌جانبه (Unilateral Declaration) الزام‌آور است که می‌تواند در مقاطع مختلف اجرای برجام، در صورت نیاز، به‌منظور تأمین منافع حقوقی و سیاسی ایران، مورد استناد دستگاه دیپلماسی کشور قرار گیرد. ضمن اینکه این نامه دست‌کم دو تأثیر مهم دیگر نیز دربر دارد:

۱- وزیر امور خارجه آمریکا در این نامه به همتای ایرانی خود می‌گوید: «می‌خواهم خطاب به جنابعالی تأیید کنم که ما به رفع تحریم‌ها طبق برجام کاملا متعهد هستیم. ما به اجرای کامل تعهداتمان طبق توافقات پایبند می‌مانیم».

به‌واقع، با بیان این جملات در چارچوب یک اعلامیه یک‌جانبه، وزیر امورخارجه آمریکا عملا تعبیر «تعهد سیاسی» (Political commitment) که مقامات آمریکایی معمولا در مورد برجام به کار می‌برند را کم‌رنگ کرده و وجهه «حقوقی» این توافق بین‌المللی را برجسته‌تر می‌کند. قطعا، قید این جملات، در مقدمه یک نامه رسمی، با توجه به شأن نویسنده و پروسه نگارش این قبیل نامه‌ها، بسیار فراتر از یک «تعارف سیاسی» است. ضمن اینکه «توافق»خواندن برجام در یک فرمول حقوقی (در جمله (per the agreement، آن‌هم در یک نامه میان‌دولتی، قطعا یک اتفاق ساده و عاری از تأثیر حقوقی نیست.

۲-جان کری در این نامه می‌گوید: «اینجانب همچنین اطمینان دارم که تغییرات جدید برای کسب روادید که در کنگره تصویب شده و دولت اختیار توقف اجرای آن را دارد، به‌هیچ‌وجه مانع ما نمی‌شود که تعهدات خود طبق برجام را اجرا کنیم و ما این تغییرات را به‌گونه‌ای اجرا می‌کنیم که هیچ مانعی برای منافع اقتصادی مشروع ایران ایجاد نکند».

در اینجا، وزیر امور خارجه آمریکا عملا وعده می‌دهد که دولت آمریکا پایبندی برجام را مقدم به اجرای قانونی می‌داند که ممکن است با آن در تضاد باشد. آقای کری، از این طریق، ضمن متعهدشدن به خنثی‌سازی تأثیرات سوء قانون ویزا، شأن برجام را نیز در حد یک «معاهده» - که در قانون اساسی آمریکا «قانون عالی» (Supreme law of the land) خوانده می‌شود و بر سایر قوانین داخلی تفوق دارد - بالا می‌برد؛ و به ایران این‌گونه علامت می‌دهد که دولت آمریکا از این پس به برجام در برابر مصوبات مشابه کنگره ارجحیت خواهد بخشید.

در نتیجه، اهمیت این نامه را نباید دست‌کم گرفت یا به‌عمد تأثیر و ماهیت آن را در حد یک یادداشت عادی فروکاست. از نظر حقوقی، به‌نفع ایران است که نامه وزیر امور خارجه آمریکا به دکتر ظریف، در محافل بین‌المللی و نزد سیاست‌مداران جهان، به‌مثابه یک «اعلامیه یک‌جانبه الزام‌آور» شناخته شود که برای ایالات متحده تعهدات جدی و قابل‌ملاحظه‌ای در برابر کارشکنی‌های فعلی و آتی کنگره ایجاد می‌کند. جا دارد منتقدان دولت نیز به‌جای تلاش برای متوقف‌کردن اجرای برجام به بهانه تصویب قانون اصلاح روادید، در تقویت این روایت از نامه کری تلاش کنند.

بازگشت ۱/۵ میلیون سالمند به کار

جیب خالی، بازنشستگان را دوباره شاغل کرد

عکس: مجتبی محمدی، ایرنا

شرق: آن‌گونه‌که آمارها نشان می‌دهد بازنشسته‌ها خیال بازنشسته‌شدن ندارند. نه اینکه تمایل به استراحت نباشد، بلکه نیک می‌دانند اگر بازار را ترک کنند، زندگی‌شان تأمین نمی‌شود. این روند در کنار آن رخ می‌دهد که افراد جویای کار بیش از گذشته در انتظار کار به سر برده و دوران تجربه بی‌کاری را پشت‌سر می‌گذارند. دورانی که طعم تلخ آن به خانواده‌ها هم سرایت می‌کند و سرپرست خانوار را مجبور به ادامه کار بدون بازنشستگی می‌کند. بر این اساس و طبق آمارها ۱،۵میلیون ایرانی بالای ۶۰ سال به دلایلی از جمله تأمین‌نبودن، نیازهای معیشتی، انتقال تجربه و امید به زندگی تمایلی به بازنشستگی ندارند و دوباره به بازار کار برمی‌گردند. به گزارش مهر، از هر ۱۰۰ نفر شاغل ۱۰ساله و بیشتر کشور حدود هفت نفر سالمند بوده و از هر ۱۰۰ نفر جمعیت فعال اقتصادی، حدود شش نفر سالمند هستند. به بیان ساده‌تر، بخشی از سالمندان پس از سال‌ها حضور و فعالیت در بازار کار ایران، حاضر به ترک این بازار نیستند. دلایل آن نیز فراوان است. تجربه و مهارت انجام کار، کم‌خرج‌تربودن سالمندان، عدم نیاز به پوشش بیمه‌ای و مسائلی از این دست؛ کارفرمایان را به جذب نیروی متقاضی کار بازنشسته به جای کارجویان جوان، راغب می‌کند. حال اگر بتوان نسبت اشتغال و فعالیت سالمندان که در گزارش وزارت کار بر اساس سرشماری سال ۹۰ آمده را برای آمار شاغلان در سال ۹۳ هم در نظر گرفت، می‌توان گفت از مجموع ۲۱میلیون و ۳۰۴هزار شاغل سال گذشته، یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار نفر سالمند و بازنشسته بالای ۶۰ سال بوده‌اند درحالی‌که انتظار می‌رود افراد پس از ۶۰سالگی دیگر دست از کار و فعالیت کشیده و بازار کار را ترک کنند. این در حالی است که صاحبان مدارک تحصیلی فوق‌لیسانس و دکترا اما بی‌کار، معضل جدید کشور در سال‌های آتی خواهند بود، فارغ‌التحصیلانی که اکنون لقب دکترهای بی‌کار را به خود اختصاص داده‌اند.

نیاز اقتصادی، مهم‌ترین عامل بازگشت به کار

علیرضا حیدری، دبیر اتحادیه پیش‌کسوتان جامعه کارگری

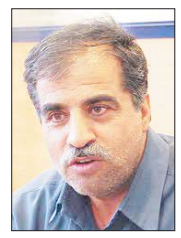

اینکه نیروی کار بازنشسته بازار کار را ترک نکند یا بلافاصله پس از بازنشستگی دوباره جذب بازار شود مسئله‌ای است که در همه دوره‌ها کم‌وبیش وجود داشته و دلایلی دارد که نیاز مالی و تأمین‌نشدن معیشت فرد با مستمری مهم‌ترین دلیل آن است. وقتی مقرری و مستمری ماهانه بازنشسته تکافو نمی‌کند، مجبور می‌شود دوباره با توجه به سوابق کاری و نفوذی که در بازار کار دارد به بازار بازگردد یا با وجود بازنشستگی در بازار بماند. مسئله دیگر، نیاز کارفرما به مهارت و توان فرد بازنشسته است که باعث می‌شود پس از بازنشستگی او را به‌عنوان نیروی کار فعال حفظ کند. در کنار این دو عامل، ارزان‌بودن این نوع نیروی کار نیز مشوق دیگری برای کارفرمایان است تا به‌کارگیری بازنشستگان را در اولویت قرار دهند. از آنجا که افراد بازنشسته حق بیمه نمی‌پردازند و کارفرما نیز بدون نیاز به پرداخت حق بیمه، می‌تواند به‌راحتی حدود ۲۵ درصد از هزینه پرداختی برای یک نیروی کار را نپردازد. مسئله دیگری که به بازگشت به کار بخشی از بازنشستگان مربوط می‌شود، پایین‌بودن سن برخی افرادی است که بازنشسته می‌شوند. این افراد درحالی بازنشسته قلمداد می‌شوند که توان لازم برای کار را دارند و چنانچه بخواهند یا نیاز مالی آنها را وادار کند، به بازار برمی‌گردند درحالی‌که اگر فرد بازنشسته توان لازم برای کار را نداشته باشد حتی با وجود عدم تأمین مالی، باز هم نمی‌تواند به بازار برگردد. بازگشت بازنشسته به بازار کار منحصر به سازمان تأمین اجتماعی و جامعه کارگری نیز نیست. در همه حوزه‌های کشوری و لشکری و بانک‌ها نیز با این پدیده روبه‌رو هستیم. گرچه در برخی موارد تخصص و توانایی، افراد بازنشسته را به بازار برمی‌گرداند اما با وجود این، مهم‌ترین عاملی که این بازگشت بازنشستگان به کار را در سطح وسیعی گسترش می‌دهد همان نیاز اقتصادی است. در شرایطی که افراد شاغل با وجودگرفتن اضافه‌کار و مزایا برای گذران زندگی به سختی می‌افتند چگونه می‌توان انتظار داشت که یک بازنشسته با حقوق بازنشستگی توانایی دسترسی به حداقل‌های معیشت را داشته باشد. آخرین ارقامی که برای تأمین حداقل معیشت خانوارها اعلام می‌شود، کمتر از دومیلیون‌تومان نیست حال اینکه کمتر افرادی در مشاغل عادی کارگری و کارمندی هستند که در یک شیفت کاری دستمزدی در این حد بگیرند و بتوانند معیشت خود را اداره کنند. همین مسئله باعث می‌شود افراد، چندشغل بگیرند یا مرد و زن یک خانوار، به‌اجبار وارد بازار کار شوند. من از آمار جدید اطلاعی ندارم اما طبق آمار حدود ۱۰ سال پیش، ۱۰ الی ۱۵ درصد از اشتغال به افرادی اختصاص دارد که یا بازنشسته بوده‌اند و به بازار کار برگشته‌اند یا افراد شاغلی هستند که شغل دوم دارند. این مسئله ورود افراد جدید به بازار کار را با چالشی جدی مواجه می‌کند. قوانین بازنشستگی کشوری و لشکری در ایران با درنظرگرفتن حقوق دو سال پایانی فعالیت که بابت آن حق بیمه پرداخت شده، از فرمول مشخصی پیروی می‌کند. در این شرایط سطح پایین دستمزدها، به‌طور طبیعی مبلغ مستمری را نیز کاهش می‌دهد. در تأمین اجتماعی نیز به دلیل اینکه اغلب کارفرمایان برای پرهیز از پرداخت حق بیمه سنگین، درآمد نیروی کار را واقعی اظهار نمی‌کنند و برای نیروی کار نیز این فرهنگ نهادینه نشده است که پرداخت حق بیمه بیشتر به معنای مستمری بیشتر است، با مستمری‌های پایینی مواجه هستیم. این مسئله باعث می‌شود که بازگشت به کار بازنشستگان تأمین اجتماعی، بیش از سایر حوزه‌ها باشد. وقتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در برنامه ششم توسعه پیشنهاد می‌کند افراد زیر ۲۹ سال که برای اولین‌بار به بازار کار وارد می‌شوند با حقوقی کمتر به خدمت گرفته شوند، با نوعی حراج نیروی کار مواجه هستیم که در پس آن این حقیقت نهفته است که بازار کار حاضر نیست نیروی تازه‌وارد از دانشگاه را جذب کند. در حقیقت مسئله مهمی که مسیر ورود بازنشسته به بازار کار را هموار می‌کند این است که آموزش باید متناسب با نیاز بازار کار باشد اما بخش آکادمیک کشور نمی‌تواند نیاز بازار کار را پوشش دهد. مدرک‌گرایی در جامعه این فرایند را تشدید کرده است به‌گونه‌ای که در برخی موارد کارفرمایان از استخدام افراد با مدرکی بالاتر از مدرک متناسب با شغل خودداری می‌کنند تا احتمالا در آینده با توقعات بالای نیروی کار تحصیل‌کرده مواجه نشوند.

جیب مزدبگیران با هزارترفند خالی شد

حسین اکبری، نماینده مستقل کارگری

واقعیت این است که خارج‌نشدن بازنشستگان از بازار کار به دنبال سه دهه اشتباهی که در این بازار به‌صورت مشخص از زمان پس از جنگ که سیاست تعدیل ساختاری در دولت سازندگی صورت گرفته، رخ داده است. تعدادی از کارگرانی که توان کار داشتند و سن آنها هنوز به بازنشستگی نرسیده بود، بازخرید و از کار برکنار کردند. پس از آن شرکت‌هایی مانند ایران‌خودرو تعدادی از همین کارگران بازخریدشده را به عنوان نیروی کار قراردادی، مشاور و افرادی که می‌توانند تجربیاتشان را در اختیار دیگران بگذارند، به‌طور موقت استخدام کردند. این سیاست نادرست که به تعبیری می‌توان به آن بازنشستگی پیش از موعد گفت، تاکنون ادامه یافت. وقتی‌که به‌طور طبیعی فقرزده شده و خانوارها درگیر بحران اقتصادی می‌شوند، مدیران خانواده اعم از مرد و زن کاری جز دوباره‌کارکردن ندارند. آنها ناگزیرند برای اینکه معیشت خانواده را تأمین کنند با علم به اینکه در حال دریافت حقوق بازنشستگی هستند مجددا در بازار کار مشغول به کار شوند و این مسئله به دلیل شرایط بد اقتصادی است که بر مزد و حقوق آنها تحمیل شده است. اکنون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، لایحه‌ای را برای برنامه ششم توسعه پیشنهاد داده است؛ سیاست آقای روحانی این است که عرضه را در نیروی کار منقبض کند و به همین دلیل به دنبال آن است که بخشی از نیروی کار را که اکنون به دنبال کار هستند، به اسم بازنشستگی و با ذکر این مسئله که این افراد در حال دریافت حقوق هستند، از بازار کار خارج کند اما این امر شدنی نیست، زیرا این افراد با توجه به شرایط نامطلوب اقتصادی به این کار نیاز دارند. بازنشستگان ما با حقوق‌هایی زندگی می‌کنند که پاسخ‌گوی وضعیت معیشتی آنها نیست و اینکه اکنون این افراد کار می‌کنند هم یکی از مشکلات اقتصادی است که دولت باید به دنبال راه‌حلی برای آن باشد نه اینکه از کارکردن آنها ممانعت کند. اگر کارکرد این افراد مشکل دارد، چرا قصد دارند سن بازنشستگی این افراد را به‌تدریج افزایش دهند؟ این سیاست تناقض‌آمیز دولت است که برای ادامه‌دادن به سیاست انقباضی خود، راه‌حل‌هایی را در نظر می‌گیرد که معقول نیست، زیرا کاری ایجاد نشده که بخواهند به افراد جویای کار اختصاص دهند. اگر اشتغال ایجاد شود، در این جامعه هم برای افراد متقاضی کار که تازه وارد بازار شده‌اند، کار وجود دارد و هم برای شاغلانی که روزبه‌روز تعدادشان کاهش می‌یابد و به اجبار دوشغله یا سه‌شغله شده‌اند، درحالی‌که اگر شغل وجود داشته باشد، یک شغل نیز برای آنها کفایت می‌کند. در کنار آنها بازنشسته‌ها نیز درصورتی‌که مستمری آنها پاسخ‌گوی نیاز آنها نباشد، آنها هم می‌توانند کار کنند، زیرا توانایی کار و تجارب کافی را دارند. دولت در لایحه پیشنهادی خود برای برنامه ششم توسعه گفته افراد جویای کار فارغ‌التحصیل که سابقه بیمه ندارند، دو سال به‌عنوان کارورزی با ۷۵ درصد حداقل حقوق پایه که چیزی حدود ۵۴۰ هزار تومان برآورد می‌شود، مشغول به کار شوند. این سیاست، سیاستی خانمان‌برانداز است که از سوی دولت در قالب استثمار ارائه شده است. در مقابل اگر دولت جلوی بازنشسته‌ها را نیز بگیرد، بخش اعظم بازنشسته‌ها درنهایت مجبور می‌شوند در کنار خیابان تکدی‌گری کنند. بنابراین دولت باید زیرساخت‌های اقتصادی را اصلاح کند، زیرا ایجاد اشتغال تنها بر اساس یک اقتصاد تولیدمحور ممکن خواهد شد. دولت به بهانه جذب سرمایه از سوی کشورهای دیگر می‌خواهد نیروی کار خود را حراج کند. این راه‌حل درستی برای اقتصاد کشور نیست. افراد برای اینکه بتوانند در آینده کار بهتری را از آن خود کنند، ترجیح به ادامه تحصیل می‌دهند، در همین حال اما با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی کار پیدا نکرده و مجبور می‌شوند در کارهای پایین، مشغول به کار شوند و حتی مدرک خود را از کارفرما مخفی کنند. سال‌های سال است به شیوه‌های گوناگون جیب خانوارهای مزدبگیر را خالی می‌کنند. کلاس‌های کنکور که مافیایی شده، برای خالی‌کردن جیب مردم، درآمدهایی را برای آنها به همراه داشته تا افراد ادامه تحصیل دهند. اما با ورود این متقاضیان به دانشگاه‌ها، تمام شور و شوق از بین می‌رود زیرا تحصیلاتی متناسب با بازار کار به آنها ارائه نمی‌شود. در واقع اکنون بازار کار به سود کارفرمایان شده و آنها هرگاه بخواهند هر نیرویی را می‌توانند برای هر کاری جذب کنند.

عدم تمایل به معاملات سهام

کشتی‌رانی شاخص را بالا کشید

مهران کاویانی جوپاری . کارشناس بازار سرمایه

بازار سرمایه در اولین روز هفته با رشد ۱۶،۲۲ واحدی همراه بود، گرچه این مثبت‌شدن بازار بیشتر به علت رشد درخور توجه در سهام نماد «حکشتی» بود که معاملات آن به‌تنهایی بر شاخص بازار بیش از ۵۱ واحد اثر مثبت داشته است که می‌توان این رشد را در جهت کمک به شاخص دانست. ارزش معاملات دیروز بورس بیشتر ۱۱۰ میلیارد تومان بود که همچنان نشان می‌دهد بازار از کمبود نقدینگی و تمایل‌نداشتن به معاملات سهام رنج می‌برد. در کنار این موضوع، ریسک نقدینگی که در بازار حکم‌فرما می‌شود، به ثبات معاملات و خروج سرمایه‌ها سرعت می‌بخشد. ارزش معاملاتی درخور توجه در گروه بانکی نشان از جذابیت این گروه در بازار دارد. سهام نماد «وپست» در این گروه همچنان در حال رشد قیمتی است. شرکت‌های پالایشی همچنان بیشترین اثر منفی را بر شاخص بازار می‌گذارند. عامل اقتصادی نرخ خوراک پتروشیمی از یک‌سو و کاهش ادامه‌دار و شدیدی که در نرخ جهانی محصولات دیده می‌شود از سوی دیگر، منجر شده درآمد و سود این شرکت‌ها با تعدیل درخور توجهی مواجه شوند و از سوی دیگر با واکنش منفی بازار روبه‌رو شدند. ارزش شرکت‌های این گروه در بورس نیز باعث شده است این کاهش قیمتی بر شاخص اثر بیشتری بگذارد. بیشتر شرکت‌های گروه خودرو، کاهش قیمتی داشتند. شرکت‌های گروه لبنی و محصولات غذایی شاهد رشد درخور توجهی بودند که دلیل آن مطرح‌شدن توافق برای صادرات محصولات لبنی است که صف‌های «غمارگ» و «غالبر»، پیشتازان رشد پیش‌آمده در این صنعت بودند. شرکت‌های فعال در زمینه فولاد و فلزات اساسی همچنان روزهای بدی را پشت سر می‌گذارند. نبود تقاضای جهانی و کاهش شدید قیمتی محصولات منجر شده است قیمت سهام شرکت‌های فعال در این حوزه تولیدی با کاهش همراه شود. در بازار پول هم شاهد این هستیم که روزانه بر حجم نقدینگی این بخش اقتصاد افزوده می‌شود. در این بین صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت با توجه به ضریب اطمینان و بدون‌ریسک‌بودن، توانسته‌اند وجوه زیادی را جذب کنند. با بررسی بازار پول و سرمایه، مسیر حرکتی نقدینگی و قفل‌شدن معاملات در بورس، شاهد این هستیم که بازار سرمایه کاهش را تجربه کرده و درحال‌حاضر به ثبات نسبی رسیده است که بیشتر به‌دلیل افت شدید قیمت‌های جهانی محصولات و نبود تقاضا برای محصولات صنایع مختلف است. بعد از کاهش رخ‌داده، نکته سیستماتیک مثبتی در صنایع وجود نداشته است که توان رشد قیمت شرکت‌ها را داشته باشد و در شرایط موجود نیز سرمایه‌گذاران فقط به همین اتفاقات بنیادی واکنش نشان می‌دهند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۱۴۳۶،۹	۱۶،۲۲
شاخص قیمت	۲۳۹۱۵،۸	۶،۲۹
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۴۸۵،۴	۱۷،۹
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۰۵۱	۱۵،۲
آزاد شناور	۶۶۹۸۳،۹	-۳۲،۹۱
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۰۰،۱	۰،۶

با نزدیک‌شدن زمان ارائه بودجه از سوی دولت، می‌توان این امر را بنیادی‌ترین عامل شرایط حاضر دانست. بودجه نشان می‌دهد دولت بیشتر قصد ورود و حمایت از کدام صنایع را دارد، دلار در چه نرخی تصویب می‌شود، وضعیت مالیاتی چگونه خواهد شد و اینکه دولت در کدام بخش‌ها بیشتر سختگیری قانونی دارد. با توجه به پایین‌آمدن شدید نرخ فروش نفت، مهم‌ترین سیاست دولت را می‌توان رشد درخور توجه ارز دانست که موجب رشد شرکت‌های پتروشیمی و صادراتی در اولین قدم خواهد شد.

تقابل سکه و دلار

شرق: بازار سکه و طلا در اولین روز هفته بی‌هیچ دلیلی روند افزایشی به خود گرفت و در مقابل دلار با وجود اینکه به بالاترین رقم خود در چند وقت اخیر رسید و نرخ سه‌هزار و ۶۸۲ تومان را نیز تجربه کرد، ریزش تا نرخ سه‌هزار و ۶۶۸ تومان را ترجیح داد. مصطفی قدرتی، معامله‌گر بازار طلا و ارز در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به روند عجیب و معکوس بازارهای سکه و دلار در روز شنبه گفت: سکه در ساعات آغازین در نرخ ۹۳۴ هزار تومان گشایش یافت و با روندی افزایشی خود را به ۹۴۱ هزار تومان نیز رساند اما درنهایت به ۹۴۰هزار و ۵۰۰ تومان رضایت داد، اما درعین‌حال حباب ۱۳هزارتومانی را برای خود به ارمغان آورد. قدرتی ادامه داد: این در حالی است که هیچ دلیل مشخصی برای این اتفاق وجود نداشت و یک‌سری افراد در بازار که همواره کنترل بازار طلا را در دست دارند، این بار ترجیح دادند ایجاد حباب مثبت را به جای حباب منفی برای سکه رقم بزنند. در بازار دیروز هر سکه بهار آزادی طرح قدیم با ۹هزارتومان افزایش نسبت به روز قبل ۹۴۰هزارتومان معامله شد. همچنین هر گرم طلای ۱۸عیار ۹۵هزارو۸۵۰تومان قیمت خورد. اونس طلای جهانی نیز تا پایان وقت بازار داخلی بدون تغییر نسبت به روز قبل هزارو۷۶دلار معامله شد.

ارز *	قیمت(تومان)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۶۸	-۸
یورو	۴۰۳۷	+۱۲
پوند	۵۴۹۵	+۴۵
درهم	۱۰۰۵	+۶

طلاو سکه *	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۴۰۵۰۰	+۸۰۰۰
طرح قدیم	۹۴۰۰۰۰	+۹۰۰۰
نیم	۴۷۱۰۰۰	+۲۰۰۰
ربع	۲۶۶۰۰۰	+۴۰۰۰
گرمی	۱۶۹۰۰۰	-۱۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۹۵۸۵۰	+۴۴۰
اونس * (دلار)	۱۰۷۶	-

www.sharghdaily.ir

خبر

شبه‌دستور برای کاهش نرخ سود بانکی

● **فارس:** رئیس‌کل بانک مرکزی با اشاره به کاهش نرخ تورم به زیر ۱۴ درصد، گفت: حفظ سود بانکی با نرخ بالاتر از ۲۰ درصد به هیچ‌وجه قابل‌قبول نیست و باید حتما به سمت کاهش و دامنه قابل‌قبول هدایت شود. ولی‌الله سیف تصریح کرد: اکنون نیز با توجه به اینکه نرخ تورم به دامنه ۱۴ درصد (۱۳،۷ درصد در پایان آذر) رسیده است، حفظ سود بانکی با نرخ بالاتر از ۲۰ درصد به هیچ‌وجه قابل‌قبول نیست و باید حتما به سمت کاهش و دامنه قابل‌قبول هدایت شود؛ البته تدبیر مدیران شبکه بانکی و همکاری بانک‌ها می‌تواند این روند را تسریع کند. سیف در سمینار سراسری بانک تجارت با اشاره به تأثیرات اعمال تحریم‌ها در سال‌های گذشته بر عملکرد نظام بانکی کشور، اظهار کرد: قطع ارتباطات بانک‌های ایرانی با بانک‌های خارجی در ایجاد فاصله بین سطح ارائه خدمات بانک‌های ایرانی با استانداردهای بین‌المللی تأثیرگذار بوده است. وی افزود: اینک با توجه به رفع تحریم‌ها و فراهم آمدن شرایط ارتباط بی‌واسطه با بانک‌های خارجی باید بتوانیم با ارتقای استانداردها، بازگشتی قدرتمندانه به عرصه بانکداری بین‌المللی داشته باشیم.

ارائه هم‌زمان بودجه ۹۵ و برنامه ششم به مجلس تا ۲۰ دی

● **تسنیم:** سخنگوی کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس گفت: لایحه برنامه ششم تا دو هفته آینده در دولت نهایی خواهد شد و لوایح بودجه ۹۵ و برنامه ششم در نیمه دوم دی‌ماه هم‌زمان به مجلس داده می‌شود. غلامرضا کاتب در مورد قیمت نفت، گفت: قیمت نفت در لایحه بودجه ۹۵ در حدود ۴۰ دلار است؛ ولی با توجه به‌اینکه قیمت نفت در حال کاهش است، دولت باید قیمت آن را واقعی‌تر ببیند و این قیمت دارای ریسک است؛ البته برخی کشورها مانند روسیه قیمت نفت را ۵۰ دلار در هر بشکه تعیین کردند.

۸۰۰ میلیون دلار بدهی وزارت نفت به سازندگان تجهیزات نفتی

● **ایسنا:** عضو کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی تهران با ارائه توضیحاتی درباره آخرین وضعیت طلب پیمانکاران از وزارت نفت گفت: بدهی این وزارتخانه به سازندگان تجهیزات صنعت نفت حدود ۸۰۰ میلیون دلار است. رضا پدیدار درباره آخرین وضعیت طلب پیمانکاران از وزارت نفت اظهار کرد: تاکنون بخش قابل‌توجهی از بدهی‌های وزارت نفت به سازندگان تجهیزات صنعت نفت پرداخت شده است اما همچنان بدهی شرکت‌های تابع وزارت به پیمانکاران سر جای خود است. رئیس انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت ایران ادامه داد: طبق اعلام وزیر نفت، برای فعال‌کردن پروژه‌ها در سطح کشور و همچنین پرداخت بدهی‌ها، ۵۰ میلیارد دلار نیاز است. به طور مشخص بدهی‌های وزارت نفت به بخش سازندگان تجهیزات صنعت نفت به کمتر از یک میلیارد دلار رسیده و حدود ۸۰۰ میلیون دلار است. این در حالی است که پیش از این به گفته زنگنه، در اکثر موارد صددرصد پول قرارداد به پیمانکاران پرداخت شده است و طلبی از وزارت نفت ندارند.

افزایش ۹۰هزاربشکه‌ای تولید اوپک در ماه میلادی گذشته

● **تسنیم:** تولید نفت اوپک در ماه نوامبر مجموعا به ۳۱.۱۷ میلیون بشکه در روز رسیده که ۹۰ هزار بشکه در روز بالاتر از تولید این سازمان در ماه اکتبر بوده است. تحقیق جدیدی که مؤسسه پلاتز از اوپک، مقامات صنعت و نفت تحلیلگران انجام داده، نشان می‌دهد تولید نفت اوپک در ماه نوامبر مجموعا به ۳۱.۱۷ میلیون بشکه در روز رسیده که ۹۰ هزار بشکه در روز بالاتر از ۳۱.۰۸ میلیون بشکه ماه اکتبر بوده است. این افزایش ناشی از رشد تولید عراق بوده است.

رئیس‌جمهور در امضای قرارداد پژو عجله نکند

● **مهر:** معاون وزیر صنعت با اشاره به سفر پیش‌روی رئیس‌جمهور به فرانسه گفت: نباید در امضای قرارداد با پژو تنها به دلیل اینکه رئیس‌جمهور به فرانسه می‌رود، عجله کرد. رضا نوروززاده درخصوص پیش‌بینی امضای قرارداد پژو در سفر رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به فرانسه در اوایل سال ۲۰۱۶ از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت گفت: معمولا در سفرهایی که رهبران کشورها انجام می‌دهند، تفاهمات ملی مدنظر است و پروژه‌های جزء را نباید در یک سفر، بزرگ‌نمایی کرد، چراکه این برای ملت دستاوردی ندارد. معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت افزود: البته در پرتو تفاهمی که میان رئیس‌جمهور یک کشور با رؤسای جمهور و رهبران سایر کشورها صورت می‌گیرد، بسترهایی فراهم می‌شود که صنایع کوچک، متوسط و بزرگ می‌توانند به تعامل و انتقال دانش بهتری با یکدیگر برسند و همین تفاهمات، منجر به عقد قرارداد شود.